

سوره توبه

آیه‌های ۱۱۳ - ۱۱۶



## تعصب ناروا

۱۱۳ - ماکان النبی و الذین آمنوا ان یتغفروا  
للمشرکین و لولیکانوا اولی قریبی من بعد ما تبین لهم انهم  
اصحاب الجحیم

: پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند نباید برای مشرکان اگر چه  
خویشاوندان آنها باشند، طلب آمرزش کنند در صورتیکه برای  
آنها روشن شده است که مشرکان اهل دوزخند

۱۱۴ - و ماکان استغفار ابراهیم لایبیه الا عن موعدة  
و عدها ایاه فلما تبین انه عدو لله تبرأ منه ان ابراهیم  
لاواه حلیم

: استغفار ابراهیم برای پدر خود بخاطر وعده‌ای بود که ابراهیم  
بوی داده بود پس از آنکه روشن شد که او دشمن خداوند است از دوری  
جست، براستی ابراهیم خاشع و بردبار بود.

۱۱۵ - و ماکان الله لیضل قوماً بعد اذ هدیهم حتی  
یبین لهم ما یتقون ان الله بکل شیء علیم

: شأن خداوند نیست که قومی را پس از هدایت گمراه کند تا چیزی-  
ها مبراهیم که باید از آنها بپرهیزند بیان کند خداوند بهمه چیز داناست.

۱۱۶ - ان الله له ملک السموات والارض یحیی و یمیت

## وما لکم من دون الله من ولی ولا نصیر

براستی برای خدا است ملک و سلطنت آسمانها و زمین ، او است که زنده میکند و میمیراند و برای شما جز خداوند ولی و یاور نیست . اقلیت‌های مذهبی که کتاب آسمانی واقعی دارند در اسلام رسمیت دارند ، و از اصول آزادی و امنیت حکومت اسلامی برخوردارند مال و جان آنها محترم است و در مراسم دینی خود کمال آزادی دارند و با پرداخت مالیات مختصری که آنها در رفاه ؛ صلاح آنها مصرف میشود از همه مزایای اجتماعی و اقتصادی بهره‌مندند .

ولی مشرک و بت پرست در اسلام بهیچگونه رسمیت ندارد جان و مال او محترم نیست ، حاکم اسلام قبلاً آنان را دعوت با اسلام میکند ، و مزایای آئین یکتا پرستی و حقایق ادیان آسمان را برای آنها کاملاً تشریح میکند ، هر گاه باز در شرک خود ایستادگی ورزند ، تکلیف آنها را قرآن در همین سوره آیه ۵ معین کرده است و مامشروحاً در تفسیر آیه‌ی مزبور در سر نوشت آنها سخن گفته و فلسفه‌ی این جهت را که چرا با مشرک چنین معامله شده است ؛ در آنجا بیان نموده ایم .

اسلام برای پیشگیری از این بیماری خطرناک که با انسانیت انسان بازی میکند ، دستور داده است ؛ همه گونه روابط ظاهری و معنوی و عاطفی باید با آنها بریده شود ؛ و اگر پدر و مادر و فامیل شخص مسلمانی مشرک باشند ، دوستی و طرح رفاقت با آنها لطمه‌های غیر قابل جبرانی بر ایمان و اخلاص آن شخص وارد میسازد .

از این نظر از سالی (سال دوم هجرت) که جنگ « بدر » رخ داد ، تار و زیکه آیات مورد بحث در سال نهم هجرت نازل گردید خداوند بطور مکرر از دوستی و روابط معنوی و طلب منفرت در حق آنها منع فرموده است ؛ اینک آیات را بعنوان نمونه یاد آور می‌شویم .

### ۱- لا تجد قوماً يؤمنون بالله واليوم الآخر يوادون من حاد الله ورسوله ولو -

كانوا آباء هم أو أبناء هم أو أخوانهم أو عشيرتهم أولئك كتب في قلوبهم الإيمان وایدھم بروح منه (مجادله - ۲۲) ؛ گروهیکه بخدا و سرای دیگر ایمان دارند هرگز با مخالفان خدا و رسول او اگر چه پدران یا پسران یا برادران و یا خویشاوندان آنها باشند طرح دوستی نمی‌ریزند آن ها کسانی هستند که ایمان در دل آنها نقش بسته و بوسیله روحی از جانب خود مؤید کرده است . این آیه که در سال دوم و یا سوم هجرت نازل گردیده مسلم میکند که برقراری روابط ظاهری و معنوی با مشرک در آغاز اسلام تا چهار صد سال نهم که سال نزول سوره توبه است قدغن بوده است و بهمین مضمون آیاتی در سوره « نساء » تحت شماره‌های - ۱۳۳ - و ۱۴۴ ( وارد شده

و بیشتر مفسران میگویند که سوره نسا در آغاز هجرت نازل شده است .

۲ - در سوره منافقین که بعقیده بیشتر مفسران در سال ششم هجرت نازل گردیده استغفار و طلب آمرزش در حق مشرکان را امر لفظی اثر معرفی کرده و وجود عدم آنرا یکسان دانسته است و به پیامبر گرامی خود چنین خطاب کرده است : **سواء علیهم استغفرت لهم ام لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم** (منافقین - ۶) : در حق مشرکان طلب آمرزش بکنی یا نکنی یکسانست خداوند هرگز آنها را نخواهد آمرزید .

باز آیاتی در این قسمت نازل شده برای نمونه بآیه ۲۸ از سوره آل عمران و آیه های ۲۳ و ۸۰ - از همین سوره مراجعه شود .

نتیجه مطالعه این آیه ها این میشود که مودت و دوستی با مشرک و عدا در حق آنها از آغاز هجرت قدغن بوده و روشن بود که طلب مغفرت درباره آنها کوچکترین سودی بحال آنها نخواهد داشت

### تحریر حقایق

محدث معروف جهان تسنن : بخاری و مسلم در صحیح های خود پسندی که منتهی به سعید ابن مسیب میشود روایتی در شأن نزول آیه نقل کرده و بیشتر مفسران از آنها پیروی نموده اند و برای آیندگان يك سند تاریخی محکمی بر کفر ابوطالب بشمار آمده است اینکه ترجمه متن روایت : «مرگ ابوطالب فرارسید ابو جهل و عبدالله بن ابی امیه در کنار بستروی حاضر بودند ، پیامبر رو به عمومی خود کرد و فرمود : عمو جان بگو لا اله الا الله تا من پیش خداوند برای تو احتیاج کنم ، ابو جهل و دیگران رو به ابوطالب کردند و گفتند ابوطالب ! ، از آئین عبدالمطلب روی میگردانید؟ پیامبر از این طرف آنها از آن طرف اصرار میکردند تا اینکه ابوطالب گفت من بر آئین عبدالمطلب میمیرم و از گفتن کلمه توحید خودداری کرد ، پیامبر فرمود : من در حق عمومی خود طلب آمرزش خواهم کرد تا آنجا که نهی صریح از خداوند برسد خداوند این آیه را که متضمن نهی از استغفار در حق مشرکان است نازل فرمود ؛ از آن پس از طلب آمرزش خودداری فرمود ، براستی این روایت مصداق واضح تحریف حقائق است شما در تاریخ اسلام دلائل قطعی ایمان ابوطالب را بطور مشروح ملاحظه فرمودید ، بنا بر این ، این روایت کوچکترین ارزشی در برابر آیهمه دلائل روشن نخواهد داشت ولی - مع الوصف - اشکالاتی در روایت هست که از نظر شما میگذرانیم :

**الف :** راوی حدیث «سعید بن المسیب» است و وی از دشمنان سرسخت امیر مؤمنان است چنانکه ابن ابی الحدید در ج ۱ ص ۲۷۰ بر این مطلب تصریح نموده و قول چنین شخصی در حق خاندان امیر مؤمنان کوچکترین ارزشی نخواهد داشت ، سعید مردیست که بر جنازه امام چهارم

سیدالسادین علی بن الحسین، نمازنگزارد ولی پشت سر حجاج نماز میخواند ، هنگامیکه مورد اعتراض قرار گرفت در پاسخ گفت : **انا لنصلی خلف من شرمه** ما پشت سر بدتر از حجاج نیز نماز میخوانیم .

**ب :** ظاهر روایت این است که پیامبر تاروز نزول آیه مورد بحث یعنی آیه **ه اکان للنبی والدین آمنوا معه** که در سال نهم هجرت نازل گردیده است درباره عموی خود طلب مغفرت مینمود ، تا اینکه این آیه او را از این کردار بازداشت در صورتی که در مقدمه این مقاله بثبوت رسیده که حرمت دوستی با مشرکان و اظهار علاقه و طلب آموزش درباره آنها از آغاز هجرت يك امر مسلم بوده با این وضع چطور پیامبر تا سال نهم هجرت در حق ابوطالب اظهار مودت نموده و از خداوند طلب مغفرت میکرد است؟

قرآن در سوره منافقان استغفار را در حق مشرک يك امر لغو معرفی کرده؛ با این ملاحظه چرا پیامبر دست بچنین کاری میزد ؟

**ت :** مفسران سنی روایات دیگری نیز در شأن نزول آیه نقل کرده اند ؛ طبری در ج ۱ ص ۳۱ - مینویسد : پیامبر اکرم پس از فتح مکه در گرمای آفتاب برابر قبر مادر خود ایستاد شاید خداوند اذن دهد در حق مادر خود طلب آموزش کند؛ در جواب پیامبر آیهی مورد بحث نازل گردید. زمخشری در کشف ج ۲ ص ۴۹ مینویسد : این روایت بیشتر بنظر صحیح میرسد ؛ زیرا امرک ابوطالب پیش از هجرت بوده و آیه مورد بحث در سال نهم نازل شده است .

در صورتی که اشکال گذشته بر همین روایت نیز وارد است ؛ زیرا با آنهمه نهی های مؤکد رسول خدا چطور میخواست درباره مادر خود اذن بگیرد و دعا کند آیا او تصور میکرد که مادرش حساب جداگانه ای دارد؟

طبری در ج ۱ ص ۱۳؛ روایت دیگری نیز دارد ؛ میگوید: گروهی از مسلمانان به پیامبر عرض کردند ما میخواهیم درباره پدران مشرک خود که کارهای نیک نیز انجام میدادند طلب آموزش کنیم ، پیامبر فرمود : من در حق پدر خود طلب آموزش مینمایم ، چنانکه ابراهیم در حق پدر خود طلب مغفرت مینمود .

در حالیکه همین روایت اشکال گذشته را دارد هر گز پدر پیامبر اسلام حساب جداگانه ای نداشته است .

بسیاری از محدثان بزرگ عامه مانند ترمذی و نسائی روایت دیگری نیز دارند میگویند: علی مردی را مشاهده کرد که برای پدر مشرک خود طلب آموزش میکند وی اعتراض کرد که چرا برای پدر مشرک خود استغفار مینمائی ؛ او در پاسخ گفت که ابراهیم برای آزر مشرک طلب مغفرت مینمود سپس علی جریان را به پیامبر رساند آیه های مورد بحث نازل گردید .

زینی دحلان در اسنی المطالب ص ۱۸ مینویسد : روایت فوق شاهد دیگری دارد ؛ میگوید : مسلمانان برای مشرکان استغفار میکردند تا اینکه آیه : «وما كان للنبي والذين آمنوا معه نازل گردید؛ نتیجه آیه این شد که از استغفار بر مشرکان مرده خودداری کردند ولی بر مشرکان زنده طلب آمرزش مینمودند و مدرک آنها این بود، که ابراهیم در حال حیات پدر مشرک خود در حق او دعای مینمود، در این وقت این آیه نازل گردید و **ما كان استغفار ابراهیم الخ** . با بودن این روایات مختلف چگونه مفسران تنها بر روایت نخستین اعتماد کرده و کوشش کرده اند که کفر ابوطالب را ثابت کنند .  
ث : از دو روایت اخیر استفاده میشود که استغفار کنندگان برای تصحیح عمل خود ، استغفار ابراهیم را شاهد میآورند و قرآن نیز استدلال آنها را ابطال فرمود : که وضع پدر ابراهیم درست برای ابراهیم روشن نبود ؛ هنوز پدیده از روی عناد و لجاجت او برداشته نشده بود و لذا ابراهیم پس از روشن شدن مطلب که آزر دشمن خداوند است از دعای در حق او خودداری نمود .  
اکنون این پرسش پیش میآید که چرا استغفار کنندگان استغفار پیامبر را در حق ابوطالب دستاویز قرار ندادند ، در صورتی که این مطلب : یک شاهد زنده تری بود ؛ در این هنگام باید این حقیقت را پذیرفت که اصلاً طلب آمرزش پیامبر در حق ابوطالب ، طلب مغفرت برای مؤمن بوده و هرگز از مقوله طلب آمرزش بر مشرک نبوده است و گرنه همین عمل برای مسلمانان مدرک میشد و لازم بود قرآن به پاسخ آن بپردازد .

### آیا آزر پدر ابراهیم بوده است ؟!

اتفاق علماء امامیه بر این است که پدران رسول خدا همه موحد و خداپرست بودند ولی از ظاهر این آیه و آیات دیگر مانند سوره (انعام آیه ۷۴) استفاده میشود که آزر مشرک پدر ابراهیم بوده است ولی در شماره نهم از سال اول مشروحاً بحث شد که آزر عموئی ابراهیم بوده نه پدر او ؛ و دلالتی بر این مطلب از خود قرآن در آنجا از نظر شما گذرانندیم .

و در پایان یادآور میشویم : که مقصود از آیه **«وما كان الله ليضل قوماً بعد اذ هداهم** تا آخر یعنی شأن خداوند نیست که قومی را پس از هدایت گمراه کند ، این است که برساند طرح دوستی با مشرکان یک نوع گمراهی است ؛ هم اکنون بیدار باشید که از این عمل خود داری کنید و بدینوسیله برای شما تمام حجت میشود چنانکه میفرماید **حتی بین لهم ما يتقون** یعنی تا آنچه را باید پرهیزند برای آنها بیان کند .

در آیه **ان الله له ملك السموات** . سلطنت و فرمانروائی مطلق را از آن خداوند دانسته و بجز او برای مؤمنان ولی و یاوری نمیداند ، و نتیجه این میشود که باید از دشمنان او که مشرکان هستند ؛ مؤمنان پرهیزند و جز او کسی دیگر را یار و ولی خود اتخاذ نکنند و دوستی با رسول خدا و هواداران او از شیب ایمان بخدا و دوستی با خدا است .